

از عراق در خون و آتش چه می توان آموخت؟

میان دو قدرت سیاسی کرد، همچنان آرامش نسبی در آن برقرار است. بی شک این بخش نیز از رویدادهای مرکز و جنوب عراق متأثر خواهد گشت، ویژه آنکه ترکیه با ایجاد آرامش در این منطقه و تثبیت اوضاع در آن سامان نظر موافق ندارد.

حال با توجه به آنچه که درباره عراق اشاره شد، باید دید شرایط ایران چگونه است. منطق حکم می کند که در چنین اوضاع آشفته ای که در کنار مرزهای ما وجود دارد، باهوشیاری به اوضاع نگریسته شود و همبستگی ملی بیش از هر چیز مورد توجه قرار گیرد. ولی واقعیت تلخ حکایت از آن دارد که حاکمان بر قدرت نشسته با عملکرد خود چنان فضایی را بر جامعه حاکم ساخته اند که در ابعاد مختلف نارضایتی و ناامیدی بر همه چهره گشته است. همگان در این اندیشه اند که تغییراتی اساسی رخ دهد و سامان موجود دگرگون گردد.

برخورد حاکمیت با انتخابات مجلس و تلاش آن برای ساخته و پرداخته کردن یک مجلس یکدمت دست نشانده، ضربه سختی بر امیدواریهای ملت وارد ساخت. به نظر می رسد که صاحبان قدرت هنوز نتوانسته اند پیام غیبت اکثریت عظیم مردم را در جریان انتخابات درک کنند و اینکه حکومتی با این حجم از مخالف بعد است بتواند بار سنگینی را که بر دوش دارد سلامت به سر منزل مقصود برساند.

کشور ما امروز دیوار به دیوار با دو کشوری قرار دارد که هر دو دستخوش آشوب هستند و یکی از آنها در این روزها در گرداب آتش و خون قرار دارد. در چنین وضعی خرد حکم می کند تا حاکمان دست از ستیز با خواست ملت برای دستیابی به آزادی و مردمسالاری بردارند و اجازه دهند تا تحولات مورد درخواست ملت در بستری برکنار از برخورداری خطرناک، مسیر خود را طی کند، باشد که مرز و بومنان به آتش کشیده نشود و همه چیز نابود نگردد.

شده اند، جای پرسش دارد. رسانه های انگلستان چنین وانمود کرده اند که گروه مقتدی صدر به گونه ای از پس پرده حمایت می شود. اگر این تصور واقعیت داشته باشد، گمان به یک برنامه کلان می رود تا اکثریت عظیم شیعیان را به چند دسته تقسیم کنند و آنها را رو در روی هم قرار دهند، باشد که این اکثریت تعیین کننده را از اعتبار بیاندازند. بنابراین، اینگونه به نظر می رسد که تلاش هایی در جریان است تا کوشش های آیت الله سیستانی را در فرو نشاندن آشوبها و حفظ همبستگی با ناکامی مواجه گردد. در حالیکه آیت الله سیستانی بر آنست تا با ایجاد همبستگی در میان شیعیان و حفظ آرامش در بلند مدت، منافع اکثریت شیعه را حفظ نماید، گروه های مسلحی چون مقتدی صدر برآند تا با آشفته ساختن اوضاع، خود را به مرکز قدرت نزدیک سازند و به عنوان یک نیروی چالش کننده در خواست سهم کنند، پدیده ای که سبب هراس بیشتر اقلیت سنی خواهد شد و آنان را وادار خواهد کرد تا تمامی نیرواز منافع و موضع خویش دفاع کنند. اقلیت مذکور که به ناحق طی چند دهه همه قدرت سیاسی و نظامی را در قبضه داشته است، امروز شدت نگران آینده است و با امید به حمایت کشورهای عربی بر آنست تا اجازه ندهد موقعتش در اداره آینده عراق بیش از این کاهش یابد. اوضاع آشفته عراق نشان می دهد که آمریکاییان چنانچه باید نتوانسته اند شناخت خوبی از فضای پیچیده اختلافهای قومی و مذهبی در عراق پیدا کنند، و راه کنار آمدن با آنرا بیابند. اگر چه آنها نتوانستند به سرعت شورای عالی ائتلاف را شکل ببخشند، ولی در عمل نتوانستند برای استقرار کامل آن و سپردن قدرت به آن توفیق لازم را بیابند. تنها بخشی از عراق که از جنجالها و آشفتهگی های روزمره برکنار مانده، بخش کرد نشین شمال عراق است که از زمان جنگ کویت به طور مستقل اداره می شود و با وجود اختلاف

در طی چند دهه گذشته هیچگاه وضع منطقه ای که کشور ما در آن قرار گرفته است تا به این حد بحرانی نبوده است. رویدادهای چند روزه اخیر عراق حکایت از شرایط انفجاری شدید در این سرزمین دارد. ابعاد افشاش در عراق به گونه ای روزافزون رو به گسترش است و درگیریها در فلوچه حکایت از آن دارد که نیروهای آمریکایی دچار یک درگیری شدید با تلفاتی سنگین شده اند که قدرت نظامی آنها را زیر پرسش برده است. لحن رسانه های انگلیس نیز این تصور را پیش می آورد که قدرت نظامی شان نیز به خطر افتاده است. اگر آنها نتوانند در کوتاه مدت اوضاع را سامان ببخشند، باید در انتظار گسترش این درگیریها بود.

از سوی دیگر، عوارض بجای مانده از این تیرد نابرابر به شدت موقعیت آمریکا را در جامعه عراق آسیب پذیر می سازد، زیرا خاطره این بمبارانها و صدمات و تلفات تا مدت زیادی با مردم منطقه باقی خواهد ماند. انفجارهای عاشورا، درگیریهای گروه صدر نیز حکایت از ناآرامی زیاد در بخش جنوبی عراق و مرکز قدرت شیعیان دارد. با وجود حضور چهره ای چون آیت الله سیستانی به عنوان یک مرجع معتدل و مقتدر، شاهد آنیم که گروههای مسلح برای تثبیت موقعیت و گرفتن سهم در قدرت از هیچ اقدامی روگردان نیستند. تا چندی پیش، تنها نیروهای سپاه بدر مجلس اعلای عراق بود که به عنوان یک جریان مسلح مطرح بود، ولی با رویدادهای اخیر روشن گردید که در مدنی کوتاه طرفداران صدر، این روحانی جوان تندرو، نیز توانسته اند خود را مسلح سازند و در چالش قدرت پا به میدان بگذارند. اینکه با وجود حضور پر شمار نیروهای نظامی آمریکا، انگلیس و متفقانشان، چگونه نیروهای نظامی صدر شکل گرفته و بسیج

بودجه سال ۱۳۸۳ کل کشور

پروانه ای برای ائتلاف بیشتر ثروت ملی و تشدید عدم تعادلهای

با وجود ۲۵ روز دیرتر تقدیم شدن بودجه به مجلس و درگیری نمایندگان در اختیارات سنی سه روزه رد صلاحیت ها و انحلال کار کمیسیونها، مجلس باصلاح اصلاحات طرف یک هفته آنهم پس از روشن شدن کامل برنامه حذف آنها از صحنه، بودجه ۱۱۵۳ هزار میلیارد (۳/۱۳۸ میلیارد دلاری) کل کشور را که ۷۹ درصد از رقم پیشنهادی دولت در لایحه بودجه نیز بیشتر است، تصویب کرد. این خوش خدمتی دولت و مجلس به نظام و اجازه دادن به دولت در خرج روزی ۳۷۰ میلیون دلار از کیسه ملت (بودجه کل کشور در زمان دکتر مصدق در سال ۱۳۳۱ حدود ۳۲۰ میلیون دلار بود) چه معنایی دارد و اصرار در تصویب سریع بودجه، بدون توجه به ایرادات کارشناسی حتما مرکز پژوهش های خود مجلس دو هفته زودتر از سال پیش، چه نکته ای را برای مردم ایران روشن می سازد؟! نخستین نکته حیرت انگیز درباره بودجه کل کشور این است که هزینه دولت شامل شرکتها و بانکها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت از کل تولید ناخالص داخلی بیشتر است که مفهوم ضمنی آن سه چیز است:

اول اینکه همه ملت ایران یعنی بخش خصوصی شامل کشاورزی، صنعت، خدمات و معدن سهمی در تولید ناخالص ملی کشور ندارد. دوم اینکه ائتلاف منابع در بخش دولتی آن چنان شدید است که دو سوم تولید ناخالص ملی را می یابد و سوم اینکه ارقام ذکر شده واقعا خرج نمی شود و کلیه ارقام آبکی و متورم است که ترکیب عوامل دوم و سوم بسیار محتمل می باشد.

در لایحه بودجه سال ۱۳۸۳، بودجه عمومی کشور ۵۰۹۱۳۱ میلیارد ریال ذکر شده است و بموجب آن چهار دستگاه وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، دادگستری جمهوری اسلامی (غیر از وزارت دادگستری است)، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ۵۳۳۵۰ میلیارد ریال و نوزده دستگاه خارج از نظارت و کنترل دولت مانند سازمان صدا و سیما، دبیرخانه مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت، شورای نگهبان، بنیاد مستضعفان و جانبازان، مرکز خدمات حوزه علمیه قم و غیره ۹۰۷۰ میلیارد ریال و کلیه وزارتخانه ها و نهادهای دولتی شامل مجلس و نهاد ریاست جمهوری (جمعاً ۲۵ وزارتخانه و سازمان) ۱۸۹۲۶۱ میلیارد ریال خرج می کنند. جالب است که بودجه وزارت دادگستری (جزء دولت) ۲۲۱ میلیارد ریال ۹۱۲ درصد بودجه دادگستری جمهوری اسلامی (۳۲۵۰ میلیارد ریال) است.

خارج از کنترل دولت بودن و عدم امکان اعمال نظارت و کنترل و حسابرسی توسط دیوان محاسبات، وزارت دارایی و مجلس بر هزینه پول توسط نهادها و سازمانهای خارج از کنترل دولت اولین و مهمترین ایراد این نوع بودجه نویسی است. ضمناً ۲۵۷۰۰ میلیارد (یا ۵۰/۵ درصد) کل بودجه عمومی بصورت سایر و ردیف های متفرقه قید گردیده که درک اینکه این ۳۰۷ میلیارد دلار واقعا چگونه خرج می شود از عهده بسیاری از نمایندگان

مجلس نیز خارج است. بانک ها، شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در سال ۱۳۸۳ روی هم ۶۸۲۱۷۸ میلیارد ریال خرج می کنند (۵۲/۴ درصد، بودجه کل کشور) و بودجه آنها ۲۳/۲ درصد رشد خواهد شد.

اهداف بودجه، در مقابل هزینه پول توسط دولت به میزان بیش از تولید ناخالص داخلی، میزان افزایش سرمایه گذاری ۷۹ درصد، میزان رشد تولید ناخالص داخلی ۷۳ درصد، رشد مصرف خصوصی ۷ درصد، افزایش نقدینگی ۲۴ درصد و میزان تورم ۱۳/۵ درصد پیش بینی شده است. برای ایجاد اشتغال رقمی داده نشده است، ولی از ارقام مندرج در پیش نویس برنامه چهارم می توان درک کرد که در این سال حدود ۶۵۰ هزار شغل ایجاد می شود که مانند گذشته است. بطوریکه ارقام جدول ۱ نشان می دهد بودجه کل کشور مخصوصاً بودجه عمومی آن ۸۰ درصد به (۱) صادرات نفت، (۲) فروش اوراق مشارکت، (۳) برداشت از حساب ذخیره ارزی، (۴) فروش شرکتهای دولتی وابسته است که مصرف ثروت ملی، فروش اموال عمومی و بدهکار کردن نسل های آینده است.

ترخ تورم مخصوصاً در رابطه با هزینه های مصرفی خانواده ها از ۲۰ درصد تجاوز می کند و میزان بیکاری بطور متوسط حدود ۲۱/۵ درصد سالانه اضافه می شود. حساب ذخیره ارزی که در اصل برای استفاده در زمانهای کاهش درآمدهای نفت ایجاد شده است عمدتاً مورد برداشت تامین هزینه های جاری دولت و تامین کسر بودجه است. نظام بودجه ریزی کشور در حال حاضر کاملاً فاقد ساختار علمی و منطقی رایج در جهان توصیه شده توسط سازمانهای صلاحیت دار بین المللی است. تدوین بودجه که مربوط به کل مردم کشور است بدون آگاهی آنها در یک سازمان دولتی مورد توافق خود دولتیها قرار می گیرد. رئیس جمهور و هیئت دولت با هر میزان دانشی که دارند آن را تأیید می کنند، مجلس بشرحی که گذشت آن را تصویب می رساند، اجرای بودجه هم در اختیار خود دولت است. نظارت، کنترل، حسابرسی، ارزیابی عملکرد یا هزینه، رسیدگی به علل عدم موفقیت، بویژه، پایان نیافتن بموقع پروژه ها و چندین برابر شدن هزینه ها و تراکم کسریهای بودجه، عملاً قابل اعمال نیست و تا اکنون نتیجه ای نداده است.

ساختار دولت و تسلط آن بر اقتصاد، خارج از کنترل بودن بیش از حد بنیاد نهاد و ستاد و موسسه و نیز پرداختن مالیات توسط آنها، تسلط طرز تفکر بازاری و بازرگانی بر وزارتخانه های کلیدی، پیدا شدن و قدرت گرفتن انحصارات خصوصی وابسته به قدرت های سیاسی و از همه بالاتر، بی توجهی به ضوابط علمی و تخصصی در انتصابات عمومی و جلوگیری از راه یافتن متخصصان و کارشناسان مستقل واقعی به مجلس و دولت کلیه امور کشور از جمله تدوین، تصویب و اجرای بودجه را از مسیر درست آن خارج ساخته است و عملاً ثابت شده است که

علی رغم وجود همه امکانات مالی، طبیعی و نیروی انسانی در کشور، جامعه هم چنان با مشکلات عظیم فقر و اختلاف طبقاتی، تورم، مفاسد اجتماعی و نزوای بین المللی روبرو است.

سهم هزینه های جاری دولت (۳۱۶۸۸۶) در مصارف بودجه عمومی ۶۲/۲ درصد و سهم هزینه های عمرانی ۱۷/۷ درصد و سهم بازپرداخت بدهی ها (تملک دارایی های مالی) ۱/۹ درصد است و بقیه یعنی ۱۷/۲ درصد مخارج اختصاصی است که از محل درآمدهای اختصاصی دولت تأمین می شود. اگر درآمدهای اختصاصی و هزینه های اختصاصی را کنار بگذاریم، سهم هزینه های جاری دولت در بودجه عمومی به ۷۰ درصد می رسد، که با کنار گذاشتن اقلام صوری پارانه های حامل انرژی (۱۰۲۰۰۰ میلیارد ریال) که بصورت درآمد، هزینه قید می شود ۵۰ درصد هزینه های دولت برای پرداخت به پرسنل دولت است، دولت باید به بیش از دو میلیون و سیصد و سی هزار کارمند (به غیر از ۱۸۷۱۰۰۰ کارمندان بانکها، شرکت و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت غیر از نیروهای نظامی و انتظامی و اطلاعاتی) حقوق و مزایا بپردازد (آمار سال ۱۳۸۳) و برای آنها اداره و دفتر دایر نگاه دارد هر کارمند دولت سالانه حدود ۱۰۱ میلیون ریال هزینه مستقیم و غیر مستقیم روی دست ملت می گذارد و آنچه به خود او پرداخت می شود بطور متوسط حدود ۲۵ درصد آن است.

از ۵۰۹۱۳۱ میلیارد ریال منابع بودجه عمومی، درآمدهای دولت ۴۴ درصد (۲۲۳۸۶۰ میلیارد ریال) است که درآمد ظاهری دولت می باشد، یعنی مالیاتها ۹۶ هزار میلیارد ریال (۱۷۸ درصد) و سایر درآمدها ۲۳۹ هزار میلیارد ریال (۴/۵ درصد) احتمالاً قابل قبول است و بقیه یعنی ۱۰۴ هزار میلیارد ریال درآمد صوری شفاف سازی قیمت حامل های انرژی است که بصورت درآمد، مخارج در بودجه قید شده است به عبارت دیگر ۱۸۸۵۹ میلیارد ریال از منابع ۴۵۲ هزار میلیارد ریالی قابل تحقق است.

درآمد مستقیم نفت و گاز و فرآورده ها ۱۲۶۸۰۰ میلیارد ریال آمده است. اگر درآمدهای واقعی دولت را درآمدهای مالیاتی و درآمد نفت و گاز بدانیم، فروش مستقیم نفت و گاز و فرآورده ها ۶۱ درصد درآمد دولت را تشکیل می دهد در بودجه عمومی با کنجانیدن درآمد حاصل از فروش اوراق مشارکت (اوراق قرضه)، استفاده از حساب ذخیره ارزی و واگذاری شرکت های دولتی و غیره جمعاً معادل ۳۲۴ درصد و درآمدهای اختصاصی ۱۷/۲ درصد مالیاتی ۲۱ درصد، درآمد فروش نفت و گاز و فرآورده ها و درآمد شفاف سازی قیمت حامل های انرژی جمعاً به مبلغ ۲۵۰/۸ هزار میلیارد ریال روی هم ۵۵۵/۵ درصد منابع درآمد دولت را تشکیل می دهد. گر وصول مالیاتها و حقوق و عوارض گمرکی را نیز وابسته به درآمدهای ارزی صدور نفت و گاز بدانیم روشن می شود که کل حیات اقتصادی کشور به درآمد نفت و گاز وابسته است.

یک کتاب در یک مقاله

همه مردان شاه نوشته استفتن کینزر ترجمه حسن بلیغ

خاورمیانه جایی که در آن سنت، تاریخ و مذهب نوع حیات سیاسی را تعیین می کند، کودتای سیا علیه دکتر مصدق همه معاملات را بهم ریخت. در آغاز، مبارزه روانی و تبلیغاتی شدیدی علیه او آغاز شد. سازمان سیا با اشرف خواهر دوقلوی شاه که در پاریس دوران تبعید را می گذراند ارتباط برقرار کرد. در تهران هم روزولت، اسدالله رشیدیان و نژاد شاه فرستاد، و از آن پس بود که تقریباً هر نیمه شب خودش نیز به دیدار شاه می رفت، تا آنکه نوانست حکم عزل دکتر مصدق را از او بگیرد. سرهنگ نصیری در مأموریت ابلاغ حکم شکست خورده و به زندان افتاد اما روزولت که برای انجام کودتا به ایران آمده بود از پای نشست و کودتای دوم را طراحی و به نتیجه رساند.

کشورهای خاورمیانه اکثراً به طریق ارادی ایجاد شده اند و استعمارگران اروپایی مرزهای ملی آنها را در قرن ۱۹ با کمتر توجهی به تاریخ بومی و سنت آنها طراحی کرده اند. از اینرو، فرمانروایان این کشورها برای دادن احساس ملیت به مردمشان ناگزیر از خلق اساطیر عجیب و غریب بودند. در مورد ایران عکس قضیه صادق است. ایران یکی از قدیمیترین کشورهای جهان و وارث سنتی چند هزار ساله است، با شاعران و هنرمندانی که شاهکارهای زیبا خلق کرده اند، افزون بر تاریخ، هنر ایران از موضوعات عمده دیگری نیز تأثیر پذیرفته که یکی از آنها کوشش مداوم برای تلفیق بین اسلام و میراث غنی دوران پیش از اسلام است، و دیگر عطش بهره مندی از رهبر عادل است که بسیار کم از آن بهره مند بودند و از مذهب شیعه، که اینک بیشتر ایرانیان بدان گرایش دارند، ایران از دوران بسیار کهن هدف مهاجمین بیگانه و قربانی موقعیت جغرافیایی بوده که از اژدر مسیر یکی از مهمترین راه های بازرگانی جهان و بر روی اقیانوس از نفت قرار داده است و همواره در جستجوی راهی برای زندگی با بیگانگان قدرتمند بوده است، مجموع این فشارها موجب ظهور و سپس نابودی شخصیت برجسته محمد مصدق، در اواسط سده بیستم گردید.

سلطنت رضا شاه با این پیش بینی مشهور دکتر مصدق که گفت "اگر رضا میخواهد بر کشور حکومت کند باید نخست وزیر شود نه شاه، تمرکز سلطنت و قدرت اجرایی در دستهای یک نفر از تاج و استبداد مطلق خواهد بود" آغاز شد. چرا که مجلس بزودی مانند دیگر نهادهای ایران در حد مهر لائیکتی برای رضا شاه تزلزل کرد و قرارداد نفت در سال ۱۹۳۳ به زبان ایران تمدید گردید. به دنبال رویداد شهریور ۲۰ و با خروج رضا شاه از کشور، دکتر مصدق به صحنه بازگشت، دکتر مصدق به دلارها و سنت های تعددالشکها ها اعمیسی تمیذاد، او موضوع اساسی را حاکمیت ملی میدانست و اینک حاکمیت ملی ایران توسط شرکتی که زندگی ایرانیان را فدای منافع انگلیسی ها کرده بود زیر قیمت به فروش میرفت، این چیزی بود که مصدق را از تمایل دولت برای مصالحه خشمگین میکرد و این بود آنچه او را وادار کرد تا قاطعانه تصمیم بگیرد که شرکت نفت انگلیس و ایران باید برود، شور و حرارت افکار عمومی با سرد شدن هوای تهران بتدریج افزایش میافت. انگلیسی ها گروه های مذهبی متمهذ به قوانین اسلامی را علیه افکار عمومی متحد میکردند. چند تن از روحانیان از پیوستن به مبارزه مردم خودداری کردند، چرا که باور داشتند مصدق و متحدانش اسلام را وا گذاشته اند، اما برخی از روحانیان با نفوذ از سر مصلحت با جبهه ملی متحد شدند، یکی از با نفوذترین آنان آیت الله کاشانی بود. کاشانی جداضد غربی و بیزار از عقاید ازادبخواهانه بود و عقیده داشت مسلمانان تنها در صورت انطباق قوانین عرفی با سنت قانونی اسلام معروف به شرعیات باید از آن اطاعت کنند. با تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی و مجلس سنا که با همت و پشتکار بن نظیر دکتر مصدق و حمایت بیدریغ مردم صورت گرفت آیت الله کاشانی به حمایت از دکتر مصدق همت گماشت. انگلیسها نیز بیدریغ کشتیهای جنگی را روانه آبهای آبادان کردند و با اعزام سفیر خود به دربار بر ضرورت نخست وزیری سید ضیا اصرار ورزیدند. شاه نیز بی چون و چرا اطاعت کرد. هنگامیکه مجلس برای بحث و بررسی در مورد انتصاب سید ضیا بعنوان نخست وزیر تشکیل جلسه داد، آیت الله چشمها متوجه دکتر مصدق بود. جمال امامی که جزو حقوق بگیران انگلستان بود، بدون اینکه نامی از سید ضیا آورد با حمله و تحقیر و تمسخر گفت اگر پیر مرد فصد مبارزه دارد، باید خود نخست وزیر شود تا مشکلات این مقام را درپاید. پس از درنگ مختصری مصدق از جای برخاست و با آرامی و متانت گفت از پیشنهاد نخست وزیری عروستد است و در کمال تواضع این پیشنهاد را می پذیرد. غیر ممکن اینک به وقوع پیوسته بود، مصدق نماد ملی گرایی ایران و مقاومت در برابر قدرت پادشاهی

ادامه صفحه ۴

یادی از شادروان اللهیار صالح

دوازدهم فروردین ۱۳۸۳، بیست و سه سال از درگذشت شادروان اللهیار صالح سپری شد. این شخصیت نامدار، رهبر جبهه ملی، دبیرکل حزب ایران و مورد احترام خاص و عام بود. او متجاوز از پنجاه سال بصورت شاغل در پست و سمتهای حساس یا در صف اهرسیون ملیون، در راه تأمین آرزوها و مصالح ملی کوشید و لی با اندوهی بزرگ از ناکامی در این راه، در دل خاک آرمید. اللهیار صالح پس از فراغت در تحصیل در کالج جردن، در خلیفه آرزوی انجام تحصیلات دانشگاهی را داشت در سال ۱۲۹۵ خورشیدی، در نوزده سالگی، با سمت مترجمی سفارت آمریکا کار خود را شروع کرد. پس از اصلاحات علی اکبر داور به خدمت در دادگستری درآمد و تا مقامهای وزارت، نمایندگی مجلس شورای ملی و سفارت ارتقاء یافت. خوشنامی، پاک، آزادمنشی، و احترام به رای مردم، صالح را در دل مردم جای داد.

از کارهای تاریخی صالح، فعالیت او در راستای لغو قرارداد ۱۹۱۹ انگلیس (وثوق الدوله) بود. صالح در سال ۱۳۰۷، در آغاز کار خود در دادگستری، پرونده معروف به مختلسین لبار غله را رسیدگی کرد. چهل و چند نفر از کارکنان لبار غله به اتهام اختلاس به محاکمه کشیده شده بودند. رضاشاه از گزارش اختلاس که صحت آنرا باور کرده بود، بحدی خشمگین شد که دستور داد وزیر دادگستری و وزیر دارایی در شهربانی در بازداشت بمانند تا پرونده مختلسین مورد رسیدگی قرار بگیرد. صالح در جریان رسیدگی، به بیگناهی کارمندان بازداشت شده و اقرارهای زیر شکنجه آنها پی برد و در بقای دو قاضی دیگر و بالاخص دستور و تأکید رضاشاه مبنی بر مجازات شدید مجرمان، رأی مستند و شجاعانه خود مبنی بر برائت متهمان را صادر و استقلال رأی و دقت نظر خود را نشان داد. عجیب آنکه ناظران مرعوب با تصوراتی که داشتند ملاحظه کرده بودند که شاه هیچگونه عکس العمل مخالفی را بروز نداده است؛ این رأی نمونه ای از شخصیت مستقل قضایی شناخته می شد.

اللهیار صالح در نخستین سمت وزارت در کابینه قوام السلطنه (۱۳۳۱) در برابر رفتار بشدت مغرورانه او با متانت و شخصیت ایستاد و با حالت استاد - شاگردی مرسوم با وزارتش مبارزه کرده، مبارزه ای که شایسته زمان و زینده او بود.

صالح پس از خدمات زیاد بعنوان سفیر ایران در آمریکا تعیین شد. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۳، با وجود اصرار دوستان ایرانی و خارجی مبنی بر ماندن در پست سفارت، بی درنگ به ایران بازگشت. او به دوستانش اظهار داشت، من تا دیروز بعنوان نماینده دولت ملی دکتر محمد مصدق از پله های وزارتخانه بالا می آمدم و در مورد تأیید حقوق ملت ایران در موضوع نفت تلاش می کردم. امروز که دولت او با کودتای ننگین ساقط شده است، چه بگویم و چگونه خود را نماینده دولت کودتا بنامم؟

صالح یک هفته پیش از انجام گرفتن کودتا طی گزارش محرمانه مهمی تغییر لحن مقامات آمریکایی و ناراضیانی آنها از نپذیرفتن پیشنهادهای مربوط به حل مسئله نفت را به شادروان دکتر مصدق ارسال کرده بود. او به قول یک پژوهشگر بزرگ، مردی از تبار صلحای ایران بود و جدایی او از مسئولیتهای بزرگ در کشور ضایعه بشمار می آمد.

همانطور که گفته شد، برای معرفی شخصیت صالح این چند سطر کفایت نمی کند، لذا در پایان تنها به این نکته باید اشاره کرد که در جامعه ماسیاستمداران و شخصیت های اجتماعی صالح چون کیمیا نادر و کمیاب هستند، زیرا که رجال ما با مقوله ای بنام "انصاف در قضاوت" و "اقرار به اشتباه" آشنا نیستند. در حالیکه یکی از صفات و ویژگیهای برجسته اللهیار صالح اقرار به اشتباهات بود، و تا لحظاتی پیش از مرگ در چند مورد از تصمیمات خود انتقاد کرده، و تکلیف بررسی پژوهشگران را روشن نمود. روانش شاد باد.

یک کتاب در یک مقاله

ناگهان به اوج قدرت رسیده بود. در طول سال ۱۹۵۱ مصدق به صحنه جهانی گام نهاد و میرفت تا بر آن تسلط یابد. او چهره برجسته ای شده بود که دیدگاههایش بد با خوب در حال شکل دادن به تاریخ جهان بود. هیچ کسی تعجبی نکرد و قش که مجله تایم او، و نه هری ترومن، دوایت ایزنهاور و وینستون چرچیل را بعنوان مرد سال برگزید.

مصدق پشت جلد مجله تایم موقر و با شکوه بنظر میرسید. مقاله طولانی داخل مجله بر از اهانت های نازوا درباره این رهبر گریبان وحشی یک کشور درماتمه بود. فرصت طلب سرسختی که مانند پسرکی لجهاز غیظ و خشم خود را آشکار کرد. اما در عین حال او را جرج واشنگتن ایران و مشهورترین مرد جهان که نژاد باستانی اش طی قرنها پرورده بود نامید.

روزی روزگاری در سرزمینی کوهستانی بین بغداد و دریایی از خاویار نجیب زاده ای زندگی میکرد که پس از عمری غیب جویی از روش حکومت پادشاه، نخست وزیر کشور شد. در عرض چند ماه توجه همگان به گفتار، کردار، شوخی ها و اشکها و کج خلقیهای او جلب شد. در پس لودگیهای عجیب و غریبش مسائل بزرگی مانند صلح و جنگ قرار گرفته بود که میتوانست بر سر زمین های دور فرا کوهها اثر بگذارد. او محمد مصدق، نخست وزیر ایران و مرد سال ۱۹۵۱ بود که شهرزاد هزار و یکشب را با معاملات نفی در آمیخت و چرخهای نا آرامی را روغن زد. گریه های تلخ او یکی از ستونهای باقیمانده امپراتوری را فرو ریخت. در زیر و بم محزون صدایش مبارزه متهورانه ای را زمزمه کرد که موجب فوران نفرت و غبطه ای شد که تقریباً برای غرب غیرقابل فهم بود.

چهل و هفت سال پس از کودتا، ایالات متحده رسماً به مشارکت خود در کودتا اعتراف کرد. رییس جمهور بیل کلینتون برای بهبود روابط امریکا با ایران مبادرت به این کار کرد که البته تلاشی ناموفق از آب در آمد. او بیثباتی ای را که به دقت تنظیم شده بود و میشد آنرا یک پژوهشخواهی تلقی کرد تصویب نمود. مادئین البرایت وزیر امور خارجه این بیثباتی را طی تعلقی در واشنگتن ایراد کرد.

گزینش متن ها از هرمز معیزی

تسلیم

جبهه ملی ایران در گذشت خواهر آقای دکتر باوند، شخصیت برجسته جبهه ملی ایران، را به خانواده بزرگوار ایشان و همه دوستان و وابستگان تسلیم می گوید.

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۲۹ - ۱۵۱۱۵

E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com

اطلاعیه

هم میهنان عزیز! ملت بزرگ ایران

جبهه ملی ایران به همه هم میهنان ارجمند بویژه به اعضا و هواداران جبهه ملی اعلام می دارد که این جبهه با افراد و سازمانهایی که در خارج از کشور زیر نام پرافتخار جبهه ملی ایران فعالیت دارند، هیچگونه ارتباط تشکیلاتی نداشته و ندارد. ما ضمن احترام به عقاید و دیدگاههای یک ملت ایران، بویژه کسائیکه در خارج از کشور زیر نام جبهه ملی و در راه مصالح و حفظ منافع ملی فعالیت دارند، اعلام می داریم که دیدگاهها و مواضع و حرکات آنها از آنجا که بعلت عدم ارتباط تشکیلاتی، پیشتر مورد هماهنگی و بررسی و تصویب شورای مرکزی درون کشور قرار نگرفته، لزوماً مورد پذیرش شورای مرکزی جبهه ملی ایران نمی باشد. دیدگاهها و مواضع جبهه ملی ایران همانست که از راه اعلامیه ها و نشریات جبهه ملی در درون کشور به آگاهی هم میهنان عزیز می رسد. با بوسیله مسئولان جبهه ملی ایران و اعلام می گردد. مسئولیت ها و ارکان های جبهه ملی تنها همانهایی است که بر پایه اساسنامه جبهه ملی توسط شورای مرکزی برگزیده و تعیین می شوند.

۲۵ فروردین ۱۳۸۳ تهران. هیئت اجرایی جبهه ملی ایران

در آستانه سفر هیئت حقوق بشر به ایران

چندین عمل جراحی شده است که همه آنها به علت فشار و شرایط سخت زندان و محروم بودن از خدمات پزشکی و دارویی مناسب بوجود آمده است. مهندس امیرانتظام که از چند سال پیش به عضویت شورای مرکزی و هیئت رهبری جبهه ملی ایران برگزیده شده بوده است، در تمام این مدت، به دلیل زندانی بودن یا شرایط خاص و محدودیتهای دورانیهای کوتاه، مرخصی های استعلاجی و انجام چند جراحی عمده، در عمل نتوانسته در جلسات شورا و هیئت رهبری شرکت داشته باشد. به این ترتیب، در طول این مدت، جبهه ملی ایران نتوانسته است در هیچ شرایطی از شرکت ایشان در جلسات و تصمیم گیری ها بهره مند گردد. جبهه ملی ایران امیدوار است و می خواهد که حاکمیت جمهوری اسلامی هرچه زودتر به تشکیل یک دادگاه علنی اعاده دادرسی تن در دهد و از ایشان اعاده حیثیت گردد. باشد که امیرانتظام بتواند هرچه زودتر با آزادی عمل در جایگاه واقعی خود در سنگر جبهه ملی ایران به مبارزه ارزشمند خود ادامه دهد و جامعه ایران بتواند از نقش آفرینی های مثبت ایشان بهره مند شود.

در آستانه ورود احتمالی هیئت حقوق بشر سازمان ملل به ایران، جبهه ملی ایران بار دیگر وضع دردناک زندانیان سیاسی در ایران را یادآوری می کند. جمهوری اسلامی تبدیل به یکی از بزرگترین زندانهای عقیدتی شده که در آن شمار زیادی از مبارزان سیاسی، نویسندگان، روزنامه نگاران و صاحبان اندیشه در شرایط غیرانسانی محبوس هستند. پاره ای از این زندانیان جزو با استعدادترین، درخشان ترین و مفیدترین افراد جامعه بشمار می روند که نه تنها در بند بودن آنان از دید انسانی و حقوق اولیه بشری یک فاجعه محسوب می شود، بلکه فقدان آنان جامعه را از شماری موثرترین اعضای اندیشمند و با استعداد خود محروم می نماید.

یک مثال بارز، مهندس عباس امیرانتظام، از مبارزان ملی و از پیروان راه دکتر محمد مصدق و عضو دولت موقت، است که به دلیل اتهامات واهی، بیست و پنجمین سال زندانی بودنش را می گذراند. مهندس امیرانتظام که نیمی از عمر خود را در بدترین شرایط زندانی جمهوری اسلامی بوده، به علت بیماری ها و نارسایی های متعدد مجبور به انجام

سرانجام چهارشنبه سوری پیروز شد

۲۵ سال پس از ممنوعیت و محدودیت و بگیر و ببندهای سالاته در ارتباط با برگزاری آیین باستانی چهارشنبه سوری، که منجر به افزوده شدن رفتارهای ناهنجار پرناب ترقه و نارنجک های دستی توسط برخی از جوانان به این آیین کهن گردید. سرانجام مسئولان تصمیم به موافقت ضمنی و همراهی عملی در برخی نقاط، با این آیین گرفتند و چهارشنبه سوری امسال متفاوت از سالهای پیش و به شکل آزادانه برگزار شد. البته عادت مذموم ترقه اندازی های اعصاب ستیز کنار گذاشته شد و امسال نیز ادامه یافت که ایکاش چنین نمی شد و یک آیین شیرین و شاد پیش از بهار موجب آزار شهروندان نمی گردید، ولی انتظار می رود که از سال آینده کم کم رفتارهای ناهنجاری که در دوران ممنوعیت چهارشنبه سوری رواج یافته بوده است، کنار گذاشته شود. بهر حال پیروزی آیین کهن ایرانی چهارشنبه سوری را که، همانند نوروز، در اثر پایداری مردم به تحقق پیوست، باید به فال نیک گرفت.